



عقب ماندگی انباشته‌ی حق الزحمه‌ی خدمات حسابرسی

زاداله فتاحی

از قرارداد به استفاده‌کنندگان به جهت ضعف اطلاعات آنان، خدمات اضافی پس از ارائه‌ی گزارش و... به مراتب اهمیت و لزوم افزایش حق الزحمه‌ی آن را صدچندان می‌کند.

با توجه به موارد بالا و افزایش حداقل حقوق و دستمزد و سایر سطوح دستمزد و تورم افسار گسیخته، نیروی کار مؤسسات حسابرسی علی‌رغم انجام کار تخصصی و وقت گذاشتن زیاد، گاه موفق به تأمین حداقل معاش خود نیستند مگر با انجام همزمان سایر فعالیت‌های اقتصادی، که متأسفانه این چنین بوده و موجب ضعف کیفیت خدمات حرفه‌ای شده است. انجام عملیات خرید و فروش سهام در ساعت کاری و... از این جمله هستند.

با توجه به مقدمه‌ی بالا در خصوص محورهای بحث حاضر نکات زیر به اختصار مطرح می‌شود:

۱- مطمئناً تعیین نرخ حق الزحمه‌ی پایه بستر قابل‌انکابی برای بهبود مبالغ قراردادهای حسابرسی بوده و تعیین

حق الزحمه به مؤسسات حسابرسی خصوصی جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران برمی‌گردد.

به سبب تعلل جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران در سنوات قبل، به این امر مهم به صورت کاربردی و عملی پرداخته نشده و با توجه به تورم شدید در فضای اقتصادی کشورمان حق الزحمه‌ی خدمات حسابرسی و مالی در حرفه دچار عقب‌ماندگی انباشته شده است.

بقیه‌ی حرفه‌ها و مشاغل در کشور دارای تعرفه‌ی الزام‌آور بوده و استفاده‌کنندگان از آن خدمات به‌طور نسبی از آن تعرفه تمکین می‌کنند از جمله نظام مهندسی در رشته‌های مختلف، نظام پزشکی، سردفتران و... حرفه‌ی حسابرسی و حسابداری نیز با مبنای معقول و منطقی می‌بایستی در این راستا قرار گیرد. در حرفه‌ی حسابداری و حسابرسی به جهت مسئولیت، ریسک، حساسیت شغلی، زمان‌بر بودن ارائه‌ی خدمات، ضعف آگاهی و دانش استفاده‌کنندگان از خدمات حرفه، ارائه‌ی خدمات خارج

متأسفانه حق الزحمه‌ی حسابرسی و خدمات مالی در کشور به عنوان خدماتی ارزنده، الزامی و تخصصی

تلقی نشده و کاری کمی و غیرتخصصی محسوب می‌گردد. از این‌روست که مبالغ جزئی پرداخت‌های انجام شده به عنوان وجوه ریخته و سربار، هزینه‌ی اضافی، غیر ضروری و از روی اجبار و الزام محسوب می‌گردد.

با توجه به غلبه‌ی این نگرش در فضای کسب و کار کشورمان، جا دارد جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران با انجام اقدامات منطقی و معقول با همکاری کلیه‌ی مؤسسات حسابرسی عضو جامعه و حسابداران رسمی شاغل انفرادی در رسیدن به این امر مهم مساعدت نماید. ناگفته نماند که سازمان حسابرسی و مؤسسه‌ی حسابرسی مفید راهبر به جهت برخورداری از شرایط انحصاری در ارائه‌ی خدمات به بخش دولتی و نهادهای ذی‌ربط از این بابت دچار معضل نیستند و بخش اصلی مشکل



مبلغ هشتاد و سه میلیون ریال نقش حداقلی خوبی داشته است. لازم است که حداقل مبلغ مذکور با توجه به انباشت عقب‌مانده‌ی مبالغ حق الزحمه در سال‌های قبل به حداقل یکصد و پنجاه میلیون ریال افزایش یابد. و در سال‌های بعد، سالانه با توجه به تورم به‌روز شود.

۲- حداقل در سوابق عملکردی کشورمان به این صورت بوده که دستورالعمل و بخشنامه‌های توصیه‌ای کارساز نبوده، بلکه به صورت دستوری و الزام‌آور نتیجه‌بخش بوده است. از این‌رو، لازم است این نرخ‌ها و تعرفه‌ها به صورت دستوری و الزام‌آور طرح شود.

۳- در زمینه‌ی نرخ‌شکنی، به محض این‌که ثابت شد مؤسسه‌ای برای دریافت کار به حربه‌ی نرخ‌شکنی اقدام کرده با آن مؤسسه به‌طور جدی برخورد شود و در صورت لزوم نسبت به بازنگری قوانین و مقررات در این زمینه در آیین‌نامه‌ی انضباطی اقدام شود تا مؤسسات کاملاً ملزم به رعایت نرخ‌های مصوب باشند.

۴- با توجه به فضای کسب‌وکار کشورمان تنوع خدمات حرفه‌ای حسابرسی در انواع آن و... صرفاً از طریق الزام دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط در جهت شفاف‌سازی گزارشگری مالی و فضای اطلاعاتی کشور میسر خواهد بود. به عنوان مثال الزام بانک برای دریافت کنندگان تسهیلات، الزام حسابرسی شرکت‌های استارت‌آپ و...

۵- ادغام مؤسسات عملاً جواب نداده و در فضای کشورمان مؤسسات انفرادی بهتر پاسخ می‌دهد. برخلاف تجربه‌ی ادغام به نظر می‌رسد کار گروهی نسبت به کار انفرادی کم‌تر جواب می‌دهد.

۶- چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، به‌خاطر تورم شدید، مبالغ حقوق پرداختی به نیروی انسانی مؤسسات حتی تأمین‌کننده‌ی حداقل معاش آن‌ها نیست، از این‌رو می‌بایست اولاً نسبت به افزایش حق الزحمه با توجه به افزایش مبالغ قراردادهای حسابرسی مؤسسات و تغییر ساعات کاری با هدف انجام فعالیت اقتصادی اکثر نیروهای انسانی،

حتی تازه‌واردان اقدام گردد.

۷- جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران ضمن رصد معضلات و مشکلات مؤسسات حسابرسی به صورت واقع‌بینانه نسبت به انجام کنترل‌ها ازجمله کنترل کیفیت و وضعیت به دور از نگاه شکلی و انجام کنترل به صورت مفهومی و واقعی اقدام نموده و از هزینه‌های اضافی و کاغذبازی و پرونده‌سازی به صورت کاغذی و تشریفات اداری زاید جلوگیری شود.

در این چارچوب، اقدامات اساسی جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران با توجه به موارد مذکور در زمینه‌ی مبالغ قرارداد به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

۱- تعیین مبلغ پایه‌ی قرارداد به میزان حداقل یکصد و پنجاه میلیون ریال
۲- تعیین تعرفه‌ی حق الزحمه بر مبنای معقول و منطقی از جمله برای شرکت‌های فعال بر مبنای مبالغ فروش، تعداد اسناد حسابداری، و برای شرکت‌های قبل از بهره‌برداری مبالغ دارایی‌ها و... به صورت الزام‌آور تعیین شود. ■